

بررسی تفسیر نسفی

امام ابو حفص نجم الدین عمر بن محمد نسفی

از نظر بلاغت، زبان و ویژگی‌های دستوری، واژگان

دکتر صدیقه سلیمانی

دکتر یوسف صالحی عباس آباد

Sinanagar publishing

سینا

۲

۱۳۹۵



- سرشناسه : سلیمانی، صدیقہ، ۱۳۵۲ -
- عنوان قراردادی : العقائد النسفیہ، فارسی، شرح
- نویسنده و مترجم : بررسی تفسیر نسفی امام ابو حفص نجم الدین
عمر بن محمد نسفی، از نظر بلاغت، زبان و ویژگی های
دستوری، واژگان / مؤلف صدیقہ سلیمانی،
یوسف عالی عباس آباد
تهران: سینا نگار، ۱۳۹۵.
- مشخصات نشر :
مشخصات ظاهری : ۱۴/۵ × ۲۱/۵ س.م.
- شابک : ۹۷۸-۹۶۴-۷۴۲۴-۲-۵
- وضعیت فهرست نویسی :
یادداشت : کتباتنامه، ۱۱۲-۱۱۳
- موضوع : تفاسیر اهل سنت - قرن ۶ ق. - نقد و تفسیر
- موضوع : نسفی، عمر بن محمد، ۴۶۱-۵۳۷ ق.، العقائد النسفیہ - نقد و تفسیر
- موضوع : Qur'an - *Sunnite hermeneutics - 12th century - criticism, interpretation, etc.
- موضوع : نشر فارسی - قرن ۶ ق. - تاریخ و نقد
- موضوع : Persian prose literature - 12th century - history and criticism
- شناسه افزوده : عالی عباس آباد، یوسف، ۱۳۵۲ -
- شناسه افزوده : نسفی، عمر بن محمد، ۴۶۱-۵۳۷ ق.، العقائد النسفیہ، شرح
- رده بندی کنگره : BP۲۰۵/۲/۵۷۰۴۲۲۵۴ ۱۳۹۵
- رده بندی دیویی : ۲۹۷/۴۱۴
- شماره کتابشناسی ملی : ۴۴۸۶۹۴۴



تفسیر نسفی



بررسی تفسیر نسفی

امام ابو حفص نسفی، عمر بن محمد نسفی
از نظر بلاغت، زبان و ویژگی‌های استوری، واژگان

مؤلف: دکتر صدیقه سلیمی،

دکتر یوسف عالی عباسی،

ویراستار: دکتر امیرحسین آریاز

تیراژ: ۱۰۰۰ نسخه

چاپ اول: ۱۳۹۵

چاپ: نینوا

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۷۴۲۴-۳۲-۵



تهران، رسالت، خیابان فرجام، پلاک ۳۶، طبقه ۲

تلفن: ۷۷۱۱۶۸۱۳

مقدمه

تفسیر نسفی ترجمه‌ای کهن از قرآن مجید به فارسی موزون و مسجع است که از آثار امام ابو حفص نجم‌الدین عمر بن محمد نسفی است. این تالیف پیش از آنکه «تفسیر»ی بر قرآن مجید محسوب شود، ترجمه آن است. البته در بعضی از موارد ترجمه نیست. متن آیات اندکی مفصل‌تر و با اشاره به اجزایی مستتر در آیه ترجمه شده است و چنانکه در شیوه تفسیری نشان خواهیم داد، اندکی نسبت به تفسیر عربی موجود فارسی متفاوت‌تر است.

امام ابو حفص نجم‌الدین عمر بن محمد نسفی

امام ابو حفص نجم‌الدین عمر بن محمد نسفی، متولد ۵۳۸ قمری و مقارن با دوره سلطنت غزنویان و سده قبل بوده است. این دوره، زمان استیلای اشاعره بر بلاد ایران و خراسان بزرگ بوده. بدین سبب مذهب امام ابو حفص نیز ظاهراً اشعری بوده که از عمده اعتقادهای آنان، یگانه‌پنداری خداوند به چشم سر در روز قیامت است؛ ولی چنانکه از فحوای کتاب در ذیل ترجمه و تفسیر کوتاهی که بر آنها کرده، برمی‌آید از نظر اعتقادی شخص مبارز و پیرو بوده است و هیچ‌نوع دشنامی به معتقدان سایر مذاهب‌ها از جمله معتزلی‌ها و مذهب سنی که در آن روزگار امری عادی و آنگهی واجب شمرده می‌شد و از وظایف دینی به شمار می‌آمد. مضاف بر اینکه، نسفی به عقاید شیعه نیز احترام فراوانی نهاد و در تفسیر بعضی از آیات نظر آنان را نیز ذکر کرده است. به عنوان مثال در تفسیر آیه چهار سورة الفجر، والیل اذا یسر، می‌نویسد: «و سوگند به شب و رفتن حاجیان در وی از عرفه به مزدلفه و قیل والفجر، سوگند به سپیده‌دم روز اول محرم و لیال عشر و سوگند به دهه عاشورای محترم و قیل والفجر، سوگند به

سپیده‌دم روز اول ماه رمضان ... و الشفع و سوگند به جفت عید رمضان و عید
قربان والوتر سوگند به طاق روز عاشورا تنها بی دیگران ...» (نسفی، ۱۳۷۶:
۱۱۵۹)

وی از مردم ماوراءالنهر بوده و یکی از عالمان روزگار خود در فنون
حدیث، فقه، تفسیر، تاریخ و غیره بوده است. در بعضی از نسخه‌های مربوط به
تفسیر نسفی، نام وی را «مفتی الفریقین» ذکر کرده‌اند؛ ولی باید دانست که این
دو نام، یعنی مفتی الفریقین و امام ابو حفص نجم‌الدین نسفی، یک‌شخص است.
(همان: ۳۷) در علم مختلف بالغ بر صد کتاب به امام نجم‌الدین نسفی نسبت
می‌دهند از جمله: الاجارات، الاشعار، الاكمل الاطول فی تفسیر القرآن، بعث
الغائب لبیث، الترتیب تاریخ بخاری، تطویل الاشعار لتحصیل الاخبار، تعدد
الشیوخ، تیسیر فی رسم التفسیر، المعتقد در علم خلاف، منهاج الدرایه در فروع،
النجاح فی شرح اخبار کتاب الصالح، یعنی صحاح بخاری و مسلم، یاقوته
فی الاحادیث و ... علاوه بر این کتاب نیز با عنوان «مطلع النجوم و مجمع
العلوم»، تألیف شده در سمرقند به وی نسبت می‌دهند که دایرة المعارفی است که
در آن به اشعار فارسی نیز استناد شده است، برای اطلاع بیشتر، (رک، تفسیر
نسفی ۳۸ به بعد)

مذهب مؤلف

امام نجم‌الدین نسفی از اشاعرة ماوراءالنهر به شمار می‌رود و در جای
جای تفسیر اشاره به رؤیت خداوند در روز قیامت می‌کند. از جمله در تفسیر
آیه ۱۰۳ سورة الانعام می‌نویسد: «لاتدرکه الابصار، درنیابد وی را هیچ‌چیز
دریاب متناهی را بود و محدود و وی خداوند تعالی منزّه است و مقدس از
تناهی و از حدود. فاما دیدار وی حق است چه دیدار موجود را بود و وی
خدای جل و علا موجود، و هو یدرک الابصار، و وی مدرک همه دیده‌هاست و
علم وی محیط به همه آفریده‌هاست و هو اللطیف الخبیر، و وی نوازنده
بندگانست و داننده آشکار و نهان است. (۲۶۷-۲۶۸)

همچنین در تفسیر آیه ۱۴۳ سوره الاعراف می‌نویسد: «ولمّا جاء موسى لميقاتنا و چون آمد موسی به وقت وعده ما و کلمه ربّه و شنید کلام بی‌واسطه ما، قال ربّ ارنی انظر الیک، گفت ای پروردگار من بنمای مرا تا ببینم تو را، قال لن ترانی و لکن انظر الی الجبل، گفت مرا دیدن نتوانی ولیکن بنگر به کوه و دل دار و مشکوه، فإن استقر مکانه فسوف ترانی، اگر قرار گیرد به جای خویش، هر آینه بیابی دیدار خدای خویش، فلما تجلّی ربّه للجبل، جعله دكاً، چون تجلی کرد به ما خداوند پروردگار، کوه را ریزه‌ریزه کرد و با زمین هموار و خرد موسی صیفاً، و موسی از پای درگشت و از حال خود بی‌خبر گشت، فلما أفاق، چون باز آمد به ما، خویش و بیرون آمد از احوال خویش، قال سبحانک تبت الیک، گفت ایا تو برگشتم به تو و انا أوّل المؤمنین، و منم نخستین مصدقی از اهل روزگار خویش، بدان که به عقبی وعده کرده‌ای به دنیا دیار خویش.» (۳۱۸)

وی بر مذهب سنت و جماعت بوده ولی جنان که گفتیم به عقاید و امامان شیعه نیز احترام می‌کرده است. در تفسیر آیه ۱۲ سوره آل عمران در تفسیر «صابرین و منفقین و مستغفرین باد اسمعیل» می‌نویسد: «شکیبایانند و محمد مصطفی صلی الله علیه و سلم سر ایشان و راستانند و ابوبکر صدیق سرور ایشان و برحق ایستندگانند و عمر فاروق مهتر ایشان و هزینة کنندگانند و عثمان ذوالنورین بهتر ایشان و آمرزش خواهندگان سحرگاتند و علی مرتضی برتر ایشان.» (۱۰۳)

شیوه تفسیر

۱. تفسیر، عمدتاً به صورت ترجمه موزون و گاه مسح همراه با تفسیر و توضیحاتی درباره آیه است. این روش در تمام آیات قرآن رعایت شده است.
۲. گاه با ذکر «قیل»، نظرهای گوناگون و گاه مختلف را درباره اجزای یک آیه ذکر می‌کند. مانند: و هو الغفور الودود: و دودی است آمرزگار مر گناهان را، دوست‌دارنده مر مطیعان را و قیل، دوست‌داشته‌شده مر مؤمنان را. (۱۱۰۱)

والیل اذا یسر و سوگند به شب و رفتن حاجیان در وی از عرفه به مزدلفه و قیل والفجر سوگند به سپیده دم روز اول محرم و لیال عشر و سوگند به دهه عاشورای محترم و قیل والفجر، سوگند به سپیده دم روز اول ماه رمضان و لیال عشر و سوگند به دهه آخرین ماه رمضان و الشفع و سگوند به جفت عید رمضان و عید قربان والوتر سوگند به طاق روز عاشورا تنها بی دیگران و الیل اذا یسر و سوگند به شب قدر در ماه رمضان و قیل سوگند به شب برات در ماه شعبان و قیل والفجر سوگند به نماز با صدادین و لیال عشر و سوگند به دهه آخرین ماه رمضان که بیداری کنند در وی اهل دین و الشفع و سوگند به نمازهای جفت دو رکعتی و چهار رکعتی والوتر، سوگند به نمازهای طاق سه رکعتی و قیل سوگند به عدد سنتها که جفت است دوازده رکعت والوتر سوگند به عدد رسایان بریضه که طاق است هفده رکعت و عدد نماز واجب و آن وتر است سه رکعت (۱۵۶-۱۱۶)

۳. ترجمه و در اصل شرح کلمات متعنه قرآن. مانند:

المر: منم خدای دانای بینا. (۶۹)

طه: ای مرد دیوانه و گوینده ای که شب چه کرده و گویند سوگند به طول ما و هدایت ما و گویند سوگند به طینت و همت صراط و گویند «طا» طلب موحدان است و «ها» هرب جاحدان است و گویند «طا» طرب بهشتیان است و «ها» هوان دوزخیان است. (۵۸۷)

کهیصص: خدای عزوجل کافی و هادی و حی و عالم و مستجاب است و همه صفات به سزا مر وی را ازل تا ابد است. (۵۷۳)

طسم: سوگند به طول و سنا و ملک ما که این است آیت های پیدا (۷۱۲)
ق: سوگند به قدیم و قدیر و قریب و قهار و قاضی و قابض که نام های مولی است و گویند سوگند به کوه قاف که گرد اندر گیرنده دنیا است. (۹۷۸)
۴. برخلاف دیگر تفسیرها، در این تفسیر اشاره ای به رویدادهای تاریخی، داستان های پیامبران و گذشتگان و سرگذشت اقوام مختلف نشده است.

۴. توضیح درباره اجزایی از نکات مبهم آیه؛ مانند: ولاتبتدلو الخبیث بالطیب: وپلید را به پاک بدل مگیریت، یعنی مال ایشان را که بر شما حرام است مخوریت و مال حلال خویش ممانیت و گویند مال ایشان که حرام است مخوریت و خویشان را از نعمت آخرت محروم مکنیت و نیز مال ایشان به حرام مخوریت چه مثل آن از مال حلال خویش ضامن شوی و گویند گرانمایه‌ای از مال ایشان خود را مگیریت و شفقی از آن خویش به جای آن منهیت مال‌های ایشان با مال‌های خویش مخوریت چه این گناه بزرگ است که می‌کند. (۱۵۰)

۵. اشاره به نسخ منسوخ‌بودن آیه: در ترجمه آیه ۱۵ سوره النساء: و آن زمان که از شما که با یکدیگر چهار گواه خواهید که بر زنای ایشان گواهی دهند. اگر گواهی دهند باین زن را در خانه‌ها تا آن گاه که بمیرند یا خدای تعالی ایشان را خلاصی پدید آید که از حبس برهند و این به ابتدا بود و حبس حد زنا بود و مخلص پدید آمد حد زنا را. و آن مرد و زن که زنا کنند بی‌ازاریت به زنا یعنی به ملامت و تعبیر و گویند بی‌ازاریت‌شان به زنا و دست یعنی ملامت و تعزیر، و این اول بود باز این را نسخ آمد و تغییر و گویند معنی آنست که آن دو مرد که گرد آیند به لواطت بی‌ازاریت‌شان به تعزیر و بر این وجه این حکم را تبیین است و تقریر اگر توبه کنند و به صلاح آرند، روی بگردانیت و ممانیت که ایشان را باز زنا بیازارند چه خدای تعالی توبه‌پذیرنده است و برنایبان بخشاینده است. (۱۵۱، ۱۵۲)

۶. اظهار نظر درباره صحت و سقم روایت‌های نقل شده؛ مانند: خبر آن کسی که بر دهی بگذشت و آن گذرنده گویند ارمیا بود و آنست که عزیز بود و آن دیه بیت‌المقدس بود و گویند که دیر بود ... (۸۶)

۷. اشاره به اختلاف قراءت‌ها؛ مانند: ثم قَسَّتْ قُلُوبُكُمْ مِنْ بَعْدِ ذَلِكَ: باز سخت شد دل‌هاتان بعد دیدن این عبرت. فهی كالْحِجَارَةِ اَوْ اَشَدَّ قَسْوَةً: پس این دل‌ها همچون سنگ است بلکه سخت‌تر، و اِنَّ مِنَ الْحِجَارَةِ لَمَّا يَتَفَجَّرُ مِنْهُ الْاَنْهَارُ: و

از سنگ‌ها سنگ است که از وی جوی‌ها می‌روان شود و آن منها لما یشقق فیخرج منه الماء: و از سنگ‌ها سنگ است که می‌شکافد و آب از وی می‌چکان شود. و آن منها لما یهبط من خشیته الله: و از سنگ‌ها سنگ است که از ترس خدای تعالی از بالا سوی نشیب می‌دوان شود. وما الله بغفل عما یعلمون: و خدای تعالی غافل نیست از آنچه می‌کنیت ای جهودان، و چون مغایبه خوانی مانی این: بود که غافل نیست خدای تعالی از آنچه می‌کنند آن جهودان، ای مؤمنان. (بقره: ۷۴) (۲۴)

۸. ش: ترجمه:

ا: گاه ترجمه تحت‌اللفظی است، مانند: ان الذین تولوا منکم یوم‌التقی الجمعان انما استبرموا از لفظان یبعض ما کسبوا ولقد عفا الله عنهم ان الله غفورٌ حلیم: آن‌ها که به هر جهت برآمدند از شما مخلصان آن روز که جمع شدند سپاه شما و سپاه کافران دیو لغزایان به بعضی از آنچه کرده بودند از گناهان و هر آینه عفو کرد خدای تعالی از ایشان عذر پذیرنده است و به عقوبت زود ناگیرنده است. (آل عمران: ۱۵۵)، (۳۷)

ب: در بیشتر مواقع ترجمه مصنف، افزوده‌ها، بر الفاظ و معانی آیات دارد به این دلیل که ترجمه همراه با تفسیر است. مانند: الک یوم‌الدین: پادشاه روز قیامت است که در وی شمار و جزا و حکم و سیاست است. (۱)
و خلق منها زوجها: و بیافرید از وی جفت وی و آن‌ها را خواست از پهلوی چپ وی از استخوان که خوردتر است. (۱۴۹)

ج: رعایت ترجمه: به سبب رعایت نکات بلاغی قرآن و تفسیر آن به ترجمه و زبان فارسی، گاه مصنف جزء جزء آیات مخصوصاً ضمیرها را به همان صورت جمله‌بندی عربی به فارسی نیز ترجمه می‌کند؛ مانند:

قال ربنا الذی اعطى کل شیء خلقه ثم هدی، گفت پروردگار ما آن است که داد هر چیزی را خلقت وی و راه نمودش به مصلحت وی. (۵۹۲)
قالوا ام نک لانت یوسف: گفتند اُتویی تو یوسف (۴۶۳)

د: ذکر ترجمه‌های متفاوت برای عبارت بسم الله الرحمن الرحيم؛ از جمله :
 آغاز کردم به نام خداوند روزی دهنده آمرزنده. (سوره حمد)
 به نام آفریننده بخشنده بخشاینده. (سوره بقره)
 به نام آفریدگار پروردگار آمرزگار. (سوره آل عمران)
 به نام دارنده جهان، داننده نهان، گزارنده عصیان. (سوره النساء)
 به نام خدای نعمت افزای رحمت نمای. (سوره مائده)
 به نام خدای بی مانند، رحمت پیوند. (سوره الانعام)
 به نام پادشاه بی همتا، آمرزنده گناه. (سوره الاعراف)
 به نام پادشاه بر همه آ، آمرزنده جفا (سوره یونس)
 ه: ترجمه میرون، رعایت سجع و قافیه:

چنانکه گفته شد، میر نسفی، ترجمه موزون قرآن کریم است بنابراین،
 حاوی صنایع بدیعی فراوان است و به همین سبب به علت رعایت موسیقی
 کلام، هنگام ترجمه، بسیاری از اجزای را به صورت مسجع و موزون ترجمه
 می کند: الذین یقیمون الصلو و یؤتوا الزکو و هم بالآخره هم یوقنون (سوره
 نمل: ۳)

آنها که ایشانند نماز آرندگان و زکوة رندگان، و ایشانند ایشان در بودن
 آخرت بی گمان. (۷۱۲)

اوزش‌های تفسیر نسفی

تفسیر یا ترجمه نسفی، در اصل ترجمه موزون و بلاغی قرآن مجید است،
 گاه مصنف تا آنجا بلاغت و بدیع را با ترجمه همراه می کند که جمله‌ها را به
 صورت پاره‌های دولختی یا مصراع‌های یکبیت دارای وزن و قافیه می شوند.
 قرآن مجید از آنجا که پایه و مبنایی برای تولد و رشد بلاغت اسلامی و به تبع
 آن بلاغت ایرانی (بلاغت فارسی) محسوب شود، تفسیر حاضر، سعی در
 نزدیک شدن زبان فارسی به زبان موزون قرآنی است. برای اطلاع بیشتر درباره

بلاغت قرآن و همت ایرانیان در تفسیرهای قرآن مجید برای رعایت و انتقال آن به فارسی، (رک، عالی عباس آباد: بررسی جنبه‌های مختلف بلاغی و زبانی تفسیر سورآبادی، ۱۸)

علاوه بر آن، تفسیر نسفی، حاوی مجموعه‌ای از واژگان و لغات اصیل فارسی است که بیشتر آنها حتی در فرهنگ‌های کهن فارسی نیز وجود ندارد. تنوع افعال پیشوندی و تنوع معنایی آنها از دیگر ارزش‌های این تفسیر است، نوع خاص جمله‌بندی و شیوه تقلید از زبان قرآن در ترجمه به فارسی، همچنین دستور زبان و ویژگی‌های نحوی منحصر به فرد آن از دیگر اختصاصات و ارزش‌های منحصر به فرد آن است به سبب اهمیت فوق‌العاده‌ای که تفسیر مذکور از نظر بلاغت، واژگان و نوع به کارگیری زبان فارسی دارد، این تفسیر شریف، از سه جنبه بلاغی، واژگانی و زبانی مورد تجزیه و تحلیل واقع شده و به همراه شواهد کافی در سه صیقل تنظیم شده است.